



سخنرانی شب بیست و یکم رمضان ۹۴
حاج حسین خوش لجه

شب بیست و یکم رمضان ۹۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(یک صلوات بفرستید.)

«أعوذ بالله من الشيطان اللعين الرجيم»

«أعبد المؤيد رسول المكرم أبو القاسم محمد»

السلام عليك يا أبا عبد الله السلام عليكم ورحمة الله و

بركاته. السلام على الحسين و على بن الحسين و

أولاد الحسين ورحمة الله و بركاته

امشب إن شاء الله به امید خدا می خواهم من صحبت

بکنم [و] من بعد از فرمایشات آقای ایشان استفاده کامل بکنید. من می خواهم امشب از وابست [بودن] صحبت کنم. تمام بدبختی شماها و بشر برای وابست است، اصلاً حالی تان هم نیست. شما باید وابست [وابستگی] با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت زهرا (علیها السلام) داشته باشید، شماها وابست به چه کسی دارید؟! گول خوردید و هنوز هم دارید گول می خورید. بین آنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در خانه گذاشتند [و] وابسته به آن دو نفر شدند، حالا با همه عبادت هایشان، مگه می روند، عمره می روند، خیلی عبادت می کنند، چقدر این ها انفاق دارند، چرا می گوید مرتدّ و کافرند؟ وابسته به آنها

هستند. شما هم وابست هستید، وابست به خلق هستید.

گفتم امیرالمؤمنین (علیه السلام) کفواً احد است، احدی [مثلش] نیست، نه دنیا! دنیا که مثل استخوان خوک در دهان سگ خوره دار است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) [این را] می گوید، این حرف ها را زد که او را نمی خواهند. متقی [را] هم که نمی خواهند؛ [چون] همین حرف ها را می زند، [به او] می گویند حرف هم نزن! چه کار دارید می کنید؟!

این که دارم می گویم [امیرالمؤمنین (علیه السلام)] کفواً احد است، احدی مثلش نیست، در صورتی که به دینم!

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم مثلش نیست!
چرا؟ او [یعنی خدا] نمی گوید که اگر پیغمبر (صلی الله
علیه و آله و سلم) را قبول نداشته باشی، عبادت انس و
جنّ کنی، در جهنم می اندازمت، می گوید: به عزت و
جلالم [قسم]! اگر علی (علیه السلام) را قبول
نداشته باشی، عبادت انس و جنّ کنی، در جهنم
می اندازمت. گوینده ها! کجا این حرف ها را درست کردید
[و] سنّی ها را تشویق می کنید؟! یک کتاب راجع به
پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نوشته؛ [اما] اسم
امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آن نیست، خب تو این ها
[یعنی سنّی ها] را به عقاید خودشان محکم می کنی.

آن کسی که خیلی به او وابسته اید، آن چند وقت ها گفت:

(فلانی! چه چیزی بود؟) اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) امیرالمؤمنین (علیه السلام) اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) [است]، عمر هم اصحاب رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) [است]، چرا به عمر بد می گوئید؟ گفتم، در نوار هم هست، به علماء [و] به مجتهدها، به تمام شان ابلاغ کردم [و] گفتم: چرا جواب اشتباه ایشان را ندادید؟ اشتباه کرده. آیا عمر خورشید را برگردانده؟ آیا عمر را، خدا می گوید اگر این را قبول [نداشته باشی] به عزت و جلالم! عبادت انس [و جنّ کنی] در جهنم می اندازمت؟ آیا [در مورد] رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) [این را] گفت؟! با همه این حرف ها [به] رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)

سلم) [گفت:] یا محمد! پا [یعنی بلند] شو! علی را تبلیغ کن! اگر نکنی هیچ کاری نکردی. خدا بیست و دو سال عبادت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را کنار گذاشت! [گفت:] هیچ کاری نکردی، علی را معرفی کن! حالا بلند شده [و] علی (علیه السلام) را معرفی کرد، [آیه نازل شد:] «الیوم اکملت لکم دینکم»، دین علی (علیه السلام) است! اگر این کار را نکنی، بیست و دو سال زحمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را کنار گذاشت، او هم این کار را کرد.

چی چی همین طور حرف می زنی تو؟! اگر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را قبول داری، رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت: [در] آخر الزمان،

[انجام] واجبات، ترک محرّمات، انتظارالفرج، برو کنار!
چرا کنار نمی روی؟! هان؟! پس تو پیغمبر (صلی الله
علیه و آله و سلم) را هم قبول نداری. اه!

این ها چه کسانی هستند [که] در خیابان ها می ریزند،
مرگ بر آمریکا، مرگ بر انگلیس [می گویند]؟! مرگ بر آن
کسی که انگلیس را می خواهد! آمریکا را می خواهد! ما
انگلیس [و] آمریکا را نمی خواهیم؛ [اما] تو انگلیس و
آمریکا را در خانه ات آوردی! این تلویزیونی که تو [در
خانه ات] آوردی [و آن را] داری، برای چه می آوری؟!
هان؟! یکی خانه ما آمد [و] گفت: با مُشت توی دهان
آمریکا و انگلیس زدم. گفتم: آن [یعنی انگلیس و آمریکا]
توی دهان تو زد. گفت: تو چه می گویی؟! گفتم: زنت را

برداشتی [و فلان جا] رفتی! خب پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می گوید: هر کجا زن و مرد قاطی است، عذاب خدا دارد می ریزد، تو در عذاب خدا رفتی. بلند شد، هیچ چیزی نگفت [و] رفت.

شما هم به عبادت های پوشالی تان اتکاء کردید، محکم شدید، عین اهل تسنن! هم مگه می روند، عمره می روند، این قدر این آقای فلانی می گفت من آن جا بودم، این قدر سخاوت می کنند در [کنار] دیوارها، نمی دانم کوچه ها، خیابان ها، سه رقم غذا گذاشته [و می گوید:] بیا افطار کن! [پس] چرا می گوید مرتدّ و کافرند؟

به تو هم ابلاغ کرد [و] گفت: اگر یکی از شما با دین [از

دنیا] بروید، ملائکه تعجب می کنند. شما هم عین اهل تسنن شدید، آن [یعنی اهل تسنن] کاری نکرد، رفت مصداق برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) درست کرد، شما هم مصداق برای امام زمان (عجل الله فرجه) درست کردید. چه خبر است؟!

پسرم می گفت: در [سرزمین] منا بودیم، می گفت حرف فلانی را بزن! آن جا امام زمان (عجل الله فرجه) هر سال [در] منا می آید، اصلاً حرفی از امام زمان (عجل الله فرجه) در این مملکت مسلمان [و] اسلامی نیست. آخر باباجان! تو که می گویی حرف او را بزن! اگر امام زمان (عجل الله فرجه) نباشد، تمام عالم فروزان [فروریزان] می شود، روایت داریم، قرآن دارد می گوید، هان؟! تمام

این دنیا و آخرت به وجود مبارک امام زمان (عجل الله فرجه) است، چطور ایشان را نمی گویی [که] خدایا [او را] نگهدار؟ هان؟! کجا رفت آن کسی که دستش را همچین می کرد [و] یک ایرانی را به هم می ریخت؟! رفت آن جا؛ اما علی (علیه السلام) هست.

مثل امشب [امیرالمؤمنین (علیه السلام)] گفت: من را شب دفن کنید! مسلمان ها، نمازخوان ها می خواستند [از قبر] درش بیاورند. حالا آمده، به قول شماها جلوی جنازه [را گرفته]، حسن (علیه السلام) گفت: کیست [که] جلوی جنازه پدرم [را می گیرد؟] امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: [بابا جان! ابن ملجم کیست؟ مگر می تواند من را بکشد؟! من بعد از خدا، خالق تمام این

خلقتم، مگر می تواند ابن ملجم من را بکشد؟ ناراحت نباش! این آن است؟! آره؟!!

خدا خرها را رحمت کند! والا! که [رحمت] می کند. (صلوات بفرستید.) حالا تو بدبخت چه جوری هستی؟! لای آن ها [یعنی بدعت گذار] نمی روی، آن کسی که [لای آن ها] می رود؛ [یعنی طرف دار بدعت گذار را] می خواهی. هان! آن کسی که [لای آن ها] می رود [را] می خواهی. خدا حاج شیخ عباس را رحمت کند! می گفت: به او سلام نکن! شُوم بگو! سلام؛ یعنی سلامتی تو را می خواهم، اگر این جوری سلام کنی، به آن آدمی که آن طرفی است، وابستی؛ می گفت: شُوم بگو! شُوم؛ یعنی مرض سام هم توی جانت بریزد. وابست نباش! عزیز من! قربانت بروم!

برو وابست با امام زمان (عجل الله فرجه) باش! [وابست با] امیرالمؤمنین (علیه السلام) [و] فاطمه [زهرا] (علیها السلام) باش! [تا] با آنها محشور بشوی! عزیز من! کجایی؟!

به حضرت عباس! من چند دفعه خدمت امام زمان (عجل الله فرجه) رسیدم، یک دفعه [این طور نبود که] یکی با او باشد! هیچ کس با او نیست! [در] این مملکت اسلامی، [در] این مملکت مسلمانان، یکی نباید با امام زمان (عجل الله فرجه) باشد؟! هان؟! هان؟! این کتاب [افشای احکام] را خواندی یا نه؟! هان؟! به حضرت عباس! امام زمان (عجل الله فرجه) گفت: آن چه که می خواهی، گفت: در این کتاب است. ببین گفت:

آن چه که می خواهی، در این کتاب است! یکی آمد [و] گفت: یک چیز به من بگو! می گفت: کتاب آن جا بود، گفت حضرت فرمود: آن چه که می خواهی در آن کتاب است. آیا خواندی یا نصفش را خواندی یا اصلاً نفهمیدی؟! جگر من کباب است! خون است! وابست نباش! عزیز من! به حضرت عباس! به خودش قسم! گفت: مردم مسموم شدند. یک دفعه دیگر [گفت]: حسین! [گفتم:] بله؟ [گفت:] مردم اهل دنیا شدند، به دنیا نمی رسند. آیا امام زمان (عجل الله فرجه) راست می گوید یا دروغ می گوید؟ برو دنبال دنیا!

چرا خدای تبارک و تعالی می گوید: من یک صفاتی به نام صفات الله دارم، [آن را] به کسی می دهم [که] سخی

باشد؟! الحمد لله همه شما سخی هستید. من این حرف‌ها که می‌زنم، می‌خواهم در دنیا بزنم، به شماها نمی‌زنم. به تمام آیات قرآن! تمام این چیزهایتان در کامپیوتر جهانی رفت، حضرت فرمود: سالم است، همه‌تان سالمید؛ اما من این حرف‌ها را می‌زنم، می‌خواهم تزلزل نداشته باشید، مثل آهن ربا باشید، آهن ربا [آهن را] می‌گیرد، هیچ چیز دیگر را نمی‌گیرد. شما هم باید ولایت را بگیرید! هیچ چیز دیگر را نگیرید! این درست است. (صلوات بفرستید.)

[به] این مرد بزرگوار گفتند [که] آن جا [یعنی خانه متقی] نرو! [ولی این شخص] یا پول می‌دهد یا نمی‌داندم گوشت می‌دهد یا برنج می‌دهد، روغن می‌دهد، دست [از

سخاوت] برنداشته، این اتصال به جلسه است. تو [به] کجا اتصالی؟ در جیت مثل غاری است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن رفت، جبرئیل نمی تواند [آن را] پاره کند. عزیز من! قربان تان بروم! کجایی؟!

امشب شب قتل است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می خواهد [به مسجد] برود، [می فرماید:] زینب جان! اگر این مرغابی ها را می خواهی نگه داری، تشنه نگذاری، گرسنه نگذاری؛ یا [این که] رهایشان کن! سفارش مرغابی ها را دارد می کند.

حالا من نمی خواهم بگویم [که] من مثل امیرالمؤمنین

(علیه السلام) هستم. ما یک گربه آن جا [در خانه مان] آمد، [در] باغچه بچه گذاشت، چهار تا بچه گذاشت. وقتی می خواستم [به مشهد] بروم، [به پسر] گفتم: پدرجان! این ها را گرسنه نگذاری! دائم به آن ها کباب دادم، تا بچه هایش بزرگ شد [و] روی پشت بام پرید [و] رفت؛ اما آن یارو همچین گربه رازده [که] پایش را هم شل کرده. شکر هند و شکر مازندران هر دو شیرین است؛ [اما] این کجا و آن کجا؟! وقتی می خواستم [به مشهد] بروم، فقط سفارش این گربه ها را کردم. [آیا] گربه دوست هستی؟!

یک نفر بود [که] الحمد لله کور شد، یک چارپدار [یعنی کسی که چهارپا، حیوان دارد] بود، همه اش این خره را

می زد، یک دفعه همچین می کرد، نگاه به زیر شکمش می کرد [و] آن وقت [به] زیر شکمش می زد. من پریدم [و] زنجیر را از دستش گرفتم، گفتم: به تو بزدم؟! آن یکی می گفت: اوه! این خرپرست است! بفرما! می گفت: ببین خرپرست است [و] می گوید به خر نزن! بفرما! چه چیزی در این دنیا می گویی؟! عزیز من! کجایی؟! من رحم پرستم، نه خرپرست، رحم دارم که می گویم به این زبان بسته می زنی [که] چه کنی؟! آخر [ش] هم همین آدم کور شد. عزیز من! قربانت بروم! فدایت بشوم! چه کار داری می کنی؟!

حالا امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حالا [که] در مسجد شهید شده، می گویند علی (علیه السلام) که نماز

نمی خواند، توی مسجد رفته [که] چه کند؟! بس که تبلیغ کردند. علماء تبلیغ علی (علیه السلام) را نکردند که مردم دنبال عمر رفتند، رساله من و نمی دانم چه چیز من را، اگر من را قبول نداشته باشی، نمی دانم کافری و پولت را بیاور به من بده و نمی دانم، چند میلیارد [پول] جمع کرد؟ آخر جواب یک تومانش را نمی تواند بدهد، باز هم برو به او [پول] بده! اگر امام زمان (عجل الله فرجه) بود، به چه کسی می داد؟ به فقرا می داد، تو هم به فقرا بده!

الآن چه خبر است؟! الآن این ها مردم را جمع می کنند [تا] یکی دیگر را تبلیغ کنند، به دینم! این نه روضه امام حسین (علیه السلام) است [و] نه روضه حضرت زهرا

(علیها السلام)! اگر دروغ بگویم، بی دین از دنیا بروم!
این ها را جمع می کنند [که] یکی دیگر را تبلیغ کنند؛ این
به امام حسین (علیه السلام) چه [مربوط است]؟! به
حضرت زهرا (علیها السلام) چه [مربوط است]؟! جمع
می کند [تا] یکی دیگر را تشویق کند، این جمع گن است.
کجا در این مجلس ها می روید؟ الآن کجا یک مجلسی
است که حرف [خلق] نباشد؟ کجاست؟ بگو من هم
بیایم. هان؟! ما آن جا بالای پشت بام بودیم، اولش نماز
جماعت خواندند، بعد هم روضه خواندند، بعد هم سینه
زدند، زنجیر زدند، بعد هم قرآن سر گرفتند، همین طور
«بِکَ یا الله، بِکَ یا الله» گفتند، بعد هم آخرش [گفتند]:
خدایا! خدایا! او را نگه دار! این هم آخرش؛ تو هم در آن

مجلس می روی.

حضرت فرمود: آخرالزمان شرّالأزمنه [است]! از تمام زمان ها بدتر است. این جا چه خبر است؟! جانم! مثل اسامه نشوید! اسامه چندین سال خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود، روایت داریم: اسامه در دفن حضرت زهرا (علیها السلام) شرکت کرد، آخرش چه کار کرد؟ به اصطلاح خودش در دهات رفت، عمر یک کاغذ داد و خودش پی او [یعنی دنبالش] رفت و [اسامه هم] آمد. پیش امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد، گفتش که: تو با ابابکر بیعت کردی؟ گفت: اگر [بیعت] می کردم که طناب گردنم نمی انداختند، اگر من [بیعت] می کردم، طناب گردنم نمی انداختند، چهل نفر هلم نمی دادند.

آخرش [هم] طرف آن‌ها رفت. بفرما! من به قربان
امام حسین (علیه السلام) بروم! امام حسین (علیه
السلام) [به] دیدنش رفت [و] گفت: اسامه! می‌دانی [که
به] دیدنت آمدم، تو خدمت به مادرم زهرا کردی،
محض این [به دیدنت] آمدم. فهمیدی یا نه؟! چه خبر
است؟!

عزیزم! وابست نباش! تو اگر با یک رفیق [که] داری،
وابست به او شدی [که] عمر و ابابکر را قبول دارد، تو
هم با او محشوری. فهمیدی یا نه؟!

برو کنار! [انجام] واجبات، ترک محرّمات، انتظارالفرج،
برو کنار! به خیر و شرّ مردم شرکت نکن! عزیز من!

قربانت بروم! فدایت بشوم! برو کنار! چه خبر است دنیا؟!
آخر هفتاد هزار نفر طرف آن‌ها برود [و] ده، دوازده نفر
طرف امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیاید؟!

حالا حضرت زهرا (علیها السلام) به او می‌گوید: علی جان!
شنیدم [که] سلام به تو نمی‌کنند. گفت: زهرا جان! سلام
[که] می‌کنم، جوابم را هم نمی‌دهند! کسی که این همه
خدا تعریفش را کرده، [او را قبول ندارند!] به تمام آیات
قرآن! آن‌ها نه علی (علیه السلام) را قبول دارند، نه خدا
را! خدا ایشان [یعنی امیرالمؤمنین (علیه السلام)] را در
تمام خلقت برانگیخته کرده، چطور او را قبول نداری؟
اصلاً حرفش نیست! جخ [یعنی تازه] می‌خواهند از قبر
هم درش بیاورند.

چرا سلمان «سلمانُ منّا أهل البيت» می شود؟ دنبال کسی نرفته. تا یکی یک چیزی به شما می گوید، شَر نخورید! به سلمان می گفتند: ریش تو بهتر است یا دُم سگ؟ می گفت: هر کدام [که] از پل بگذرد. شما را هنوز ملامت نکردند که در این جلسه می آیید، یک دفعه ملامت تان کنند، شما هم [دیگر] نمی آیید، من این جوری دارم می بینم. شما الآن در جلسه می آیید [و] تشویق می شوید، کجا این جا ملامت تان می کنند [به] این جا می آیید؟ به حضرت عباس! [دیگر] نمی آیید.

اما الآن دارند [بعضی ها] امتحان شان را می دهند، به چند نفر گفتند [که این جا] نیا! این ها خودشان که نمی آیند، [اما] عطایشان در جلسه نازل می شود، برنج

می دهند، روغن می دهند، پول می دهند، همه چیز می دهند. این وابست به امام حسین (علیه السلام) است! وابست به حضرت زهراست! تو که [از جلسه] رفتی، آخر وابست به چه کسی هستی؟! بابا! یک فکری برای آخرتت هم بکن! «إِنَّمَا الدُّنْيَا فَنَاءٌ وَالْآخِرَةُ بَقَاءٌ». این‌ها به کجا رسیدند؟!

جانم! خدا شما را صفات الله می کند، خدا صفاتش را به شما می دهد، اصلاً شما ارادة الله می شوی. مگر امام صادق (علیه السلام) نمی گوید [که] اگر دوست ما را قبول نداشته باشی، اصلاً من را قبول نداری؟ امام صادق (علیه السلام) [این را] می گوید، روایت برایتان می گویم. خدا می گوید: اگر این [دوست ائمه (علیهم السلام)] را

نخواهی، خانه من را خراب کردی. به تو می گوید؛ اما تو وابست نباش! جایی نرو! فهمیدی؟! علی (علیه السلام) را کفواً احد بدان! زهراى عزیز (علیها السلام) را بالاتر از آن بدان! [تا] با آن ها محشور بشوی. محشوریت آن ها تو را صفات الله می کند، نه محشور [بودن با] تلویزیون و ویدیو و ماهواره که هنوز هم شماها دارید، [شما] خوبها! آه! هنوز شما به آن ها وابسته اید، وابستی تان را قطع کنید [و] این طرف بیاید!

اما آدم در این مجلس هست که آدم می خواهد جانش را فدایش کند! پا [یعنی بلند] شده [و] خارج رفته، چهارتا بودند، آن ها سر چهارراه ها از این آشغال کاری ها هست؛ [اما] این [شخص] دنبال آن ها نرفت. این [شخص]

ولایت به او تزریق شده؛ [اما] تو خباثت به تو تزریق شده که هنوز تلویزیون و ویدیو داری. این را دور بینداز! همین طور این جا هم می آیی، [به] مجلس هم می آیی، چیزها را هم می نویسی. باباجان! آخر چه کار داری می کنی؟! اهل تسنن ندارند، می دانید یا نه؟! هان؟! می گوید: چون که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفته حرام است، ما [آن را] نمی خواهیم. فلانی! تو اهل چه چیزی هستی؟! هان؟! (اهل لهو و لعب) خب.

خدایا! عاقبت تان را به خیر کن! خدایا! ما را با خودت آشنا کن!

خدایا! بیامر زمان!

خدایا! ما را از خواب غفلت بیدار کن!

یا علی